

## جایگاه مفردات راغب در واژه‌پژوهی علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن

محمدتقی دیاری بیدگلی\*

ابوالفضل کاظمی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۹/۶

### چکیده:

یکی از مهم‌ترین مباحث در تفسیر قرآن کریم، مبحث واژه‌پژوهی است. از آنجا که یکی از برجسته‌ترین تفاسیر امروزی تفسیر شریف المیزان است و در مباحث واژه‌پژوهی این تفسیر، به صورت قابل توجهی از مفردات راغب بهره برده است، در این نوشتار به بررسی میزان و نحوه استفاده علامه طباطبایی (ره) از کتاب مفردات راغب در مباحث واژه‌پژوهی و بیان برخی از ابتکارات علامه طباطبایی (ره) در برخورد با مفردات راغب خواهیم پرداخت. مقاله پیش رو به شیوه کتابخانه‌ای ضمن بررسی میزان استفاده المیزان از مفردات راغب، به بررسی تعدادی از این موارد پرداخته و پس از آن گونه‌های استفاده المیزان از مفردات راغب و برخی از ابتکارات لغوی علامه را در چند عنوان، دسته‌بندی نموده است. نقد نظرات دیگر مفسران، تکمیل نظر راغب، ترجیح نظر راغب بر دیگر لغویون، بهره‌گیری از سیاق در تأیید نظر راغب، رفع مشکل تفسیری بر اساس نظر راغب و ... از این گونه موارد می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: واژه‌پژوهی، المیزان، علامه طباطبایی، مفردات راغب اصفهانی.

\* دانشیار دانشگاه قم (نویسنده مسوول) mtdiari@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث Abulfazl.kazemi@gmail.com

## ۱- مقدمه

واژه شناسی که در شرح مفردات الفاظ بحث و گفتگو می‌کند یکی از معارف پیش نیاز مفسر می‌باشد، چون به وسیله لغت، شرح مفردات الفاظ و معانی آنها روشن می‌گردد و الفاظ مشترک از لغات مختص، و عام از خاص تشخیص داده می‌شود. (محمدی، ۱۳۸۸ش: ۱۸)

و از آنجا که هر کلامی از کلمات تشکیل شده و هر کلمه‌ای دارای معنا و مفهوم خاصی است، شرط لازم برای فهم مفاد هر کلامی، آگاهی از معانی و مفاهیم کلمات و مفردات آن است. بر این اساس، مفسر باید از مفاهیم مفردات قرآن کریم، - حتی از معانی حروف آن - آگاه شود و با توجه دقیق به خصوصیات مفاهیم مفردات به تفسیر آیات بپردازد. (بابایی، ۱۳۸۵ش: ۸۱)

از دیگر سو، یکی از منابع تفسیر، منابع لغوی است. مقصود از منابع لغوی، هر گونه منبعی است که مفسر را در فهم معنا و کاربرد واژگان قرآن در زمان نزول یاری دهد. (همان، / ۲۹۳) و مقصود از لغت به عنوان منبع تفسیر، هر آن چیزی است که در شناسایی معنی واژه‌ها و کاربردهای آن، مفسر را یاری می‌کند و شامل آراء صاحبان لغت، موارد کاربرد واژه در قرآن و روایات، فرهنگ عامه، شعر و... است. دریافت معنی اصلی واژگان قرآن به خصوص واژه‌های غریب و کم استعمال و واژه‌های مترادف و هم معنی در تفسیر بسیار مهم است. مفسر باید بداند واژه‌های قرآن به هنگام نزول، دارای چه معنایی بوده است. (مودب، ۱۳۸۸ش: ۲۵۲)

راغب اصفهانی در اهمیت واژه پژوهی می‌گوید: «شناخت مفردات قرآن نه تنها برای دانش پژوه قرآنی، سودمند و مورد نیاز است بلکه در هر علمی از علوم شرعی مورد استفاده است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۴).

راغب حتی آشنایی با مفردات را اولین منبع در علوم قرآنی برمی‌شمارد. وی در این مورد می‌گوید: «و

ذکرت أن أول ما يحتاج أن يشتغل به من علوم القرآن العلوم اللفظية، و من العلوم اللفظية تحقيق الألفاظ المفردة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۴). شناخت واژه‌های قرآنی تا آنجا دارای اهمیت است که اگر بررسی دقیقی در مورد معنای آن نشود، حتی ممکن است فهمی ناصواب و غیر صحیح در احکام و معارف دینی، از قرآن صورت بگیرد. (مودب، ۱۳۸۸ش: ۶)

پس از بیان این مقدمه باید گفت بدون تردید، هر کس که گذری و نظری بر کتاب‌های تبیین و توضیح واژه‌های قرآنی نماید، درمی‌یابد که کتاب مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی از بهترین منابع و مآخذ برای شناخت معانی مفردات و الفاظ قرآن است. کتاب وی بیش از هشت قرن، مورد استناد بوده و همچنان از گویاترین و کامل‌ترین کتاب‌های معانی القرآن است (مودب، ۱۳۸۸ش: ۸). ناگفته نماند که دلیل این برتری نیز روشن است، زیرا راغب اصفهانی تلاش فراوان نموده است تا با دستیابی به وضع نخستین معنی لغت و سیر تحول آنها و کاربردهای قرآنی آنها، معنی کلمات را دریابد. به همین جهت، کتاب راغب، یعنی مفردات از منابع لغوی مهم تفسیر به شمار می‌آید. (مودب، ۱۳۸۷ش: ۲۵۳)

آنچه وجه مشترک عالمان در زمینه شخصیت راغب است، جنبه علمی ایشان و این که این اثر او (مفردات) از بارزترین و باارزش‌ترین کتاب‌های اوست و جامع تفسیر مفردات قرآنی می‌باشد که به ترتیب حروف هجایی آن را به رشته تحریر درآورده است و کار را برای هر جوینده‌ای در زمینه قرآنی آسان کرده است. (ولدبیگی، ۱۳۸۹ش: ۸) به طوری که برخی کتاب مفردات راغب اصفهانی را، کارآمدترین کتاب واژه شناسی دانسته‌اند. (همایی، ۱۳۸۹ش: ۲۵) و به شهادت سیوطی یکی از مهم‌ترین مؤلفات در علم «غریب

القرآن» است. (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱/۳۷۰) و زرکشی (م ۷۹۴ق.) نیز در جایی که به اهمیت واژگان و دلالت و کاربرد آن در سیاق آیات اشاره می‌کند، اینچنین یادآور می‌شود که مهم‌ترین کسی که به این موضوع پرداخته راغب اصفهانی در کتاب *مفردات* است، زیرا او افزون بر نکات معناشناسی در مدلول لفظ با توجه به سیاق و اثر آن، معنا را بیرون می‌کشد. (زرکشی، ۱۴۱۵ق: ۲/۳۱۳) و حاجی خلیفه می‌گوید: «*مفردات الفاظ قرآن* کتابی نافع در هر دانشی از علوم اسلامی است». (حاجی خلیفه، ۱۳۷۳)

از سوی دیگر، با انتخاب روش ویژه، یعنی اهتمام بر سیاق و بافت متن، گوی سبقت را از دیگر دانشمندان پیشین این فن ربوده است، نکته مهم‌تر آنکه *مفردات* از توضیح و تبیین واژگان فراتر رفته و چهره تفسیری سودمند با توجه بر زبان‌شناسی و معنی‌شناسی به خود گرفته است. او در نشان دادن معنای واژه افزون بر ریشه‌یابی ادبی و اشتقاقی، به آیات همگون توجه می‌کند و از سنجش آیات با هم می‌کوشد تا به معنای واژه نزدیک شود. واژه‌شناسی در نظر راغب نقش کلیدی دارد و از اصول تفسیری او محسوب می‌شود. او به شدت نگران بدفهمی کلام الهی از ناحیه فهم معنای واژگان را داشته و در آغاز کتاب *مفردات* با طرحی مسائلی در اهمیت شناخت واژه‌شناسی حساسیت خود را ابراز می‌دارد. (ایازی، ۱۳۸۵ش: ۱۵۸) در بردارندگی معانی بسیار و غنای محتوایی در عین داشتن حجم کم، لزوم آگاهی از دانش علوم لفظی به ویژه تحقیق در *مفردات الفاظ* به عنوان نخستین نیاز، ضرورت آگاهی از دانش مفردات در همه علوم اسلامی، اهمیت شناخت شاخه‌ها، ریشه‌ها، موارد استعمال و فرعیات آن، از جمله مهم‌ترین مباحثی است که راغب اصفهانی در مقدمه کتاب *مفردات* در اهمیت

واژه پژوهی به آنها اشاره می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۴-۵۶) از دیگر ویژگی‌های کتاب *مفردات* راغب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تجزیه و تحلیل ماده لغت، ارجاع معانی ثانویه به معنای اصلی حقیقی، بیان فارق برخی مترادفات، شرح احکام صرف و نحو، نقل و نقد اقوال لغویان، سادگی و سلاست عبارت و تسلسل مطالب و ذکر شواهد آیات در جای خود، بیان برخی از اقوال مختلف تفسیری و... (میرلوحی، ۱۳۸۶ش: ۲۱۷)

## ۲- توجه علامه طباطبایی به *مفردات* راغب

از بیانات علامه طباطبایی در *المیزان* برمی‌آید که ایشان قول لغت‌شناسان را معتبر می‌دانند و در بیشتر مفردات از منابع لغوی استفاده می‌کنند. ایشان در مقام بیان و ذکر معنا در تفسیر *المیزان*، گاهی معنای واژه را به یک کتاب لغت ارجاع می‌دهند و گاهی به کتاب‌های متعدد. (صادقی، ۱۳۹۰ش: ۹۸) توجه و عنایت مرحوم علامه طباطبایی در *المیزان* به مباحث واژه پژوهی در حدی است که برخی حفظ بجا و مناسب ظهور و دلالت‌های لغوی و عرفی آیات را جزء ویژگی‌ها و برجستگی‌های *المیزان* برشمرده‌اند. (صدر، ۱۳۸۱ش: ۳۰۰) در حقیقت مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیات دقت نظر خاصی بر معانی مفردات آیه داشته و سعی نموده‌اند تفسیری که از آیه بیان می‌کنند، متناسب با معنای لغوی آیه بوده و بر خلاف ظاهر الفاظ تفسیری برای آیه نیاورده‌اند.

در این نوشتار در پی آنیم تا با دستیابی به نحوه استفاده مرحوم علامه طباطبایی از *مفردات* راغب به عنوان یکی از مهم‌ترین کتب لغوی، ارتباط بین برداشت‌های تفسیری علامه از معانی واژه‌ها را بیشتر روشن ساخته و میزان انعطاف‌پذیری مرحوم علامه در مباحث تفسیری در برخورد با معانی ارائه شده در

مفردات بیان نماییم. از طرفی معرفی مآخذی که علامه در تفسیر خود به آنها استناد نموده و بیان چگونگی این استناد، نه تنها در شناخت روشی که علامه در این تفسیر پیش گرفته، دارای اهمیت ویژه‌ای است، بلکه این منابع جزئی از پیش و محتوای علمی علامه را تشکیل می‌دهد. (اوسی، ۱۳۷۰: ۷۷)

شیوه مرحوم علامه طباطبایی در مباحث واژه پژوهی بدین صورت است که ایشان با استفاده از کتب لغت و بدون پرداختن به گفتار همه اهل لغت، معانی کلماتی را توضیح می‌دهد که در بیان معنی و روشن شدن مقصود آیه سهیم است. (اوسی، ۱۳۷۰: ۱۶۳)

به طوری که در *المیزان*، کم و بیش شاهد مباحث طولانی لغوی هستیم، علامه تا اندازه‌ای به ذکر مسائل لغوی و نحوی می‌پردازد که در بیان آیه یاری دهد و پیچیدگی آنرا برطرف سازد. (اوسی، ۱۳۷۰: ۳۷۹)

اما در مواردی که بحث واژه پژوهی دخالت قابل توجهی در روشن شدن معنای آیه داشته باشد، مرحوم علامه طباطبایی عنایت قابل توجهی به بحث داشته و معنای واژه را کامل بررسی کرده‌اند. به طوری که هیچ یک از مفسرین گذشته و حال، به وسعت و گستردگی و عمق و اوج حلّ معضلات قرآنی به اندازه علامه طباطبایی دقت نظر نداشته‌اند. (ربیعی، ۱۳۶۲: ۵)

با بررسی کوتاهی می‌توان به این نتیجه رسید که مرحوم علامه طباطبایی در مباحث واژه پژوهی به صورت قابل توجهی از *مفردات* راغب بهره برده است. اجتهاداتی که راغب در *مفردات* در معنی شناسی لغات نموده، بسیار مورد استفاده مفسران، از جمله مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر *المیزان* بوده است. (مودب، ۱۳۸۷: ۲۵۳)

علامه طباطبایی در بیشتر موارد در بیان معنای لغوی آیات، به *مفردات* راغب اصفهانی رجوع نموده و فرموده‌اند: راغب اصفهانی

دارای نبوغ بوده و در بیان معانی لغات قرآنی اعجاز کرده است. (حسینی، ۱۳۸۰: ۸۸) در *المیزان* استناد علامه به کتاب *مفردات* راغب در بیان معانی مفردات، به صورت وسیع و روشنی است زیرا *مفردات* راغب بر تمام منابعی که مؤلف *المیزان* در مورد مفردات قرآن به آنها استناد نموده حتی مجمع البیان، برتری دارد. (اوسی، ۱۳۷۰: ۹۴)

مرحوم علامه طباطبایی (ره) برای دستیابی به معنای ۴۴۶ کلمه، از *مفردات* راغب بهره جسته است و نظر راغب را در این موارد مورد بررسی قرار داده است. رویکرد علامه طباطبایی (ره) در مواجهه با همه این موارد یکسان نبوده است، به طوری که علاوه بر این که در خیلی از این موارد با پذیرش معنای بیان شده توسط راغب، به تفسیر آیه پرداخته، در مواردی هم به نقد نظر راغب و یا تکمیل آن پرداخته است، در برخی موارد با عنایت به نظر راغب مشکل تفسیری آیه حل شده است، در برخی موارد با عنایت به گفته وی، نظر دیگر مفسرین مورد نقد قرار گرفته است. به طور خلاصه شاید بتوان رویکردهای مرحوم علامه طباطبایی (ره) را در تفسیر *المیزان* در مواجهه با *مفردات* راغب در موارد چند خلاصه کرد که در بخش بعدی بدان پرداخته خواهد شد.

۳- گونه‌های استفاده تفسیر *المیزان* از *مفردات* راغب

۳-۱- تفسیر آیه بر اساس نظر راغب

در بسیاری از موارد استفاده *المیزان* از *مفردات* راغب، مرحوم علامه طباطبایی با پذیرش تام معنای ارائه شده توسط راغب، به تفسیر آیه پرداخته و هیچ گونه نقد یا تحلیل دیگری صورت نپذیرفته است. در این موارد که از لحاظ تعداد هم زیاد هستند، مرحوم علامه با پذیرش و قبول و اعتماد به گفتار راغب در *مفردات*، آیه را معنی و تفسیر نموده است. این موارد خود نشانگر

میزان اعتماد و تکیه علمی و بهره‌گیری محتوایی مرحوم علامه به مفردات راغب می‌باشد.

این مسأله را می‌توان این‌طور تحلیل نمود که معنایی که راغب در مفردات ارائه داده است؛ با توجه به اینکه راغب نیز در مسائل قرآنی دقت نظر داشته و معانی لغات را تا حدی با توجه به آیات قرآن بیان نموده است، با معنایی که مرحوم علامه طباطبایی در بیان تفسیری خود مد نظر داشته‌اند، همخوانی داشته و علامه طباطبایی نیز آن را همسو با معانی برداشت شده از آیات دانسته و پذیرفته است.

به‌طور مثال در آیه «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف / ۲۹) «بگو خدایم به دادگری فرمان داده»؛ در بیان معنای قسط می‌فرماید: «قسط بنا به گفته راغب [راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۷۱]، هم بهره عادلانه را گویند؛ خداوند می‌فرماید: «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ» (یونس / ۴) «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ» (الرحمن/ ۹). و هم به معنای جور و گرفتن بهره دیگران آمده، چیزی که هست این ماده (قسط) در باب افعال معنای اول را می‌رساند مانند «وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/ ۹) و در باب ثلاثی مجرد معنای دوم را، مانند «أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» (جن/ ۱۵).

مرحوم علامه طباطبایی پس از بیان گفتار راغب به تفسیر آیه پرداخته در ادامه می‌فرماید: «پس بنا به گفته راغب مقصود از جمله مزبور این خواهد بود: بگو پروردگار من امر به گرفتن بهره عادلانه و ملازمت میانه روی در همه امور و ترک افراط و تفریط کرده، و معلوم است که راه میانه در عبادت این است که مردم به سوی خدا بازگشت نموده به جای پرستش بت‌ها و تقلید از بزرگان قوم به معابد در آمده خدا را به خلوص عبادت کنند». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۹۱/۸)

ایشان همچنین در مورد واژه «خبت» در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ اخْتَبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ...» (هود / ۲۳) «کسانی که ایمان آورده اعمال صالح انجام می‌دهند و به منظور تقرب به خدایشان برای او تواضع می‌کنند»؛ آورده‌اند:

«راغب در مفردات [راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۷۲] گفته است: کلمه خبت به معنای زمین مطمئن و محکم است، و وقتی گفته می‌شود: «أَخْبَتِ الرَّجُلُ» معنایش این است که تصمیم گرفت به زمینی محکم برود، و یا در آن زمین پیاده شد، نظیر کلمه اسهل و انجد که به معنای «به سرزمین هموار رفت، به بلندی رفت» می‌باشد، و به تدریج در معنای نرمی و تواضع استعمال شده که در آیه «وَ اخْتَبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ» به همین معنا آمده، و نیز در جمله «وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» به معنای تواضع آمده، می‌فرماید افراد متواضع را که استکباری از عبادت خدا ندارند بشارت بده، و نیز در جمله «فَتُخْبِتُ لَهُ قُلُوبُهُمْ» یعنی دل‌هایشان برای او نرم و خاشع می‌گردد.

بنابراین، منظور از «اخبارت مؤمنین به سوی خدا»، اطمینان و آرامش یافتنشان به یاد او و تمایل دل‌هایشان به سوی او است، به طوری که ایمان درون دلشان متزلزل نگشته، به این سو و آن سو منحرف نشوند و دچار تردید نگردند، همانطور که زمین محکم این چنین است، و اشیایی را که بر گرده خود دارد نمی‌لغزاند». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۸۷/۱۰)

همانطور که ملاحظه شد مرحوم علامه طباطبایی در این گونه موارد پس از بیان گفتار راغب، آن را پذیرفته و محور مطالعه و بررسی خود قرار می‌دهد و با استناد به آن آیه را معنی و تفسیر نموده‌اند. این گونه استفاده المیزان از مفردات نشانگر اعتماد مرحوم علامه به مفردات می‌باشد.

## ۳-۲- ارائه معنایی جدید علاوه بر گفته راغب

در برخی موارد نیز مرحوم علامه طباطبایی در *المیزان* پس از بیان معنایی که راغب در *مفردات* بیان کرده است به بیان معنای جدیدی پرداخته است. در حقیقت در این موارد علامه طباطبایی ابتکار عمل به خرج داده، از گفتار راغب قانع نشده و با توجه به آیات توضیح و تشریح بیشتری برای معنای لغت بیان داشته است. شاید در این موارد به نظر علامه معنای بیان شده توسط راغب کامل نبوده و توسعه و تشریح آن مورد نظر بوده است. به طور نمونه در ذیل آیه ۷ از سوره سجده در معنای کلمه «حسن» آمده است که:

«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» «همان که خلقت همه چیز را نیکو کرده»؛ راغب [راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: (۲۳۵)] می‌گوید: کلمه حسن عبارت است از هر چیزی که بهجت آورد و انسان به سوی آن رغبت کند، و این حالت سه قسم است، یکی اینکه چیزی مستحسن از جهت عقل باشد، یعنی عقل آن را نیکو بداند، دوم اینکه از نظر هوای نفس نیکو باشد، سوم از نظر حسی زیبا و نیکو باشد. البته این تقسیمی است برای زیبایی از نظر ادراکات سه‌گانه انسان. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۶/۳۷۲)

مرحوم علامه پس از بیان معنای ارائه شده توسط راغب، به بسط و توسعه معنای واژه‌ی حسن اشاره نموده و در تکمیل آن می‌آورند:

«و حقیقت حسن عبارت است از سازگاری اجزای هر چیز نسبت بهم، و سازگاری همه اجزاء با غرض و غایتی که خارج از ذات آن است، بنا بر این، زیبایی روی به معنای جور بودن و سازگار بودن اجزای صورت از چشم و ابرو و بینی و دهان و غیره است، و حسن عدالت سازگاریش با غرضی است که از اجتماع مدنی منظور است، و آن به این است که در

جامعه هر صاحب حقی به حق خود برسد، و همچنین است حسن هر چیز دیگر». (همان)

همانطور که ملاحظه شد در این موارد مرحوم علامه طباطبایی علاوه بر معنای راغب که حُسن را هر چیز بهجت آوری معنا کرده بود، معنای سازگاری اجزاء را نیز به عنوان معنای حقیقی واژه حُسن بیان کرده‌اند. در این موارد نیز مرحوم علامه معنای راغب را پذیرفته ولی آن را کامل ندانسته و آن را کامل کرده‌اند.

## ۳-۳- نقد نظر راغب و یا تکمیل آن

یکی دیگر از ابتکارات لغوی علامه طباطبایی در مواجهه با *مفردات* راغب، نقد و یا تکمیل نظر راغب می‌باشد. در برخی از گونه‌های استفاده *المیزان* از *مفردات* راغب، مرحوم علامه طباطبایی پس از بیان گفتار راغب، با توجه به آیه، معنای گفته شده توسط راغب را تکمیل می‌کنند. به طور مثال در آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ...» (حجرات/۷) «و بدانید که رسول الله در بین شما است باید که از او اطاعت کنید و اگر او شما را در بسیاری امور اطاعت کند خود شما به تنگ می‌آیید»؛ در معنای کلمه طوع می‌فرمایند: «و کلمه طوع و اطاعت هر چند به معنای انقیاد و گردن نهادن است، و لیکن بیشتر به معنای امثال امر و مشی بر طبق خطی است که امر برای مامور ترسیم کرده- این نظریه راغب است [راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: (۵۲۹)]. لیکن چه بسا ممکن است که امر به عکس شود، یعنی ما فوق بر طبق خواسته زیردست خود عمل کند، آن طور که او دلش می‌خواهد، در اینجا متبوع و آمر از تابع و زیردست اطاعت کرده. و اتفاقاً در آیه مورد بحث اطاعت به همین معنا است، می‌فرماید «لَوْ يُطِيعُكُمْ»- اگر پیغمبر شما را اطاعت کند» چون عمل رسول خدا صلی الله

علیه و آله را بر طبق دلخواه مؤمنین اطاعت آن جناب از مؤمنین خوانده». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۶۵/۱۸)

ملاحظه شد که در این مورد مرحوم علامه طباطبایی پس از ذکر معنای راغب، آن را کامل ندانسته، به بسط آن پرداخته‌اند. این گونه موارد نیز گویای این مطلب است که ایشان گفتار راغب را پذیرفته ولی تکمیل آن را مد نظر داشته‌اند.

۳-۴- بهره‌گیری از نظر راغب برای تأیید معنای مختار یکی دیگر از ابتکارات لغوی مرحوم علامه در المیزان در مواجهه با مفردات راغب، بهره‌گیری از گفتار راغب برای تأیید معنای برداشت شده از آیات است. در برخی موارد، مرحوم علامه طباطبایی قبل از بیان معنای ارائه شده در مفردات، خود با توجه به آیات واژه را معنا کرده و سپس گفتار راغب را نیز به عنوان موید آورده‌اند. در حقیقت در این گونه موارد مرحوم علامه به عنوان یک لغت‌شناس، ابتدا با بررسی آیات مختلف، معنای واژه را به دست آورده و در نهایت آن معنا را با گفتار یک لغت‌شناس مشهور مانند راغب به تأیید نهایی رسانده است. به طور مثال ایشان در مورد معنای واژه اجل می‌فرمایند:

«وَ أَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ» (انعام/۲) تسمیه اجل بمعنی تعیین آن است، چون خود مردم نیز عادتشان بر این است که در معاهدات و قرض‌ها و سایر معاملات اجل را که همان مدت مقرر در معامله و یا سر رسیدن آن است ذکر می‌کنند و به همین دو معنای عرفی در کلام خدای تعالی نیز آمده است. مثلاً در آیه شریفه: «... إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ...» (بقره/۲۸۲)، اجل به معنای آخر مدت است، و همچنین در آیه شریفه: «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ...» (عنکبوت/۵).

ولی در آیه شریفه: «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ- تا آنجا که می‌فرماید- قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ»، اجل به معنی تمامی مدت مقرر آمده است و ظاهراً استعمال اجل در تمامی مدت، استعمال اصلی و استعمال آن در سر رسید، فرع آن است، چون بیشتر اوقات در همان معنای اول به کار می‌رود، حتی در اثر کثرت استعمال در آن گاهی می‌شود که احتیاجی به ذکر وصف (مقضی) ندیده و به ذکر موصوف (اجل) به تنهایی اکتفاء می‌کنند، بنابراین هر جا که این کلمه استعمال شده باشد باید گفت به معنی اجل مقضی و تمام مدت است مگر قرینه‌ای در کلام باشد و دلالت کند بر اینکه به معنای سر رسید است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۸/۷)

ایشان در ادامه با ذکر نظر راغب در مفردات، معنای ارائه شده را تأیید می‌کنند و می‌فرمایند: «راغب در مفردات [راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۶] می‌گوید: مدت مقرر زندگی انسان را اجل می‌گویند مثلاً گفته می‌شود: «اجلش نزدیک شده، یعنی مرگش فرا رسیده. لیکن اصل معنی آن استیفاء مدت است.» به هر تقدیر، ظاهر کلام خدای تعالی در آیه مورد بحث این است که منظور از اجل و اجل مسمی آخر مدت زندگی است نه تمامی آن، هم چنان که از جمله «فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ» به خوبی استفاده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۸/۷)

در این گونه موارد نیز مرحوم علامه طباطبایی نظر راغب را پذیرفته است. در واقع رویکرد علامه در اینگونه موارد نیز پذیرش گفتار راغب در مفردات است. می‌توان گفت مرحوم علامه با اعتماد و پذیرش معنای بیان شده در مفردات راغب، آنها را به عنوان

مؤید و شاهد مثال بر معنای برداشت شده از آیات بیان داشته است.

### ۳-۵- نقد آراء مفسران با تأکید بر نظر راغب

از دیگر ابتکارات لغوی علامه طباطبایی در *المیزان*، نقد نظر دیگر مفسران با توجه به معنای واژه می‌باشد. در اینگونه موارد مرحوم علامه با اصل قرار دادن این نکته که معنا و تفسیر ارائه شده از آیه باید با معنای واژگان آیه نیز همخوانی و همسویی داشته باشد، به تفسیر آیه پرداخته و در همین راستا برداشت‌هایی که با معنای لغوی آیه مطابقت نداشته‌اند را مورد نقد قرار داده است و برداشت تفسیری خود را که با معنای واژه نیز همخوانی داشته با استفاده از گفتار راغب در *مفردات* به تأیید رسانده است. در این موارد *المیزان* با توجه و دقت در معنایی که راغب در *مفردات* بیان کرده، لغتی را معنا کرده و بر اساس آن آیه را تفسیر نموده و پس از آن به نقد نظر دیگر مفسران پرداخته است. برای مثال *المیزان* در تفسیر آیه اول از سوره نساء و در معنای کلمه زوج می‌آورد:

«و اما کلمه زوج در جمله: «وَوَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء / ۱) «هم از آن جفت او را خلق کرد» بنا به گفته راغب (۱۴۱۲ق: ۳۸۴) به معنای همسر است، یعنی این کلمه در مورد هر دو قرین که یکی نر و دیگری ماده باشد، استعمال می‌شود یعنی هم به نر زوج می‌گویند و هم به ماده، و همچنین در غیر حیوانات، یعنی در هر دو چیزی که جفت داشته باشد به کار می‌رود، مانند چکمه و دمپایی که به هر لنگه آن گفته می‌شود، آن گاه راغب (همان) در ادامه سخنانش می‌گوید: زوج واژه نامطلوبی است، (یعنی در لغت صحیح به زن نیز زوج گفته می‌شود نه زوجه)».

(طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۱۵/۴) که به نوعی نقد آرای دیگر مفسران است.

مرحوم علامه طباطبایی در ادامه می‌آورند: «و ظاهر جمله مورد بحث یعنی جمله «وَوَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» این است که می‌خواهد بیان کند که همسر آدم از نوع خود آدم بود، و انسانی بود مثل خود او، و این همه افراد بی‌شمار از انسان، که در سطح کره زمین منتشر شده‌اند، همه از دو فرد انسان مثل هم و شبیه به هم منشا گرفته‌اند، و بنابراین حرف «مِنْ» من نشویه خواهد بود... پس اینکه در بعضی از تفسیرها آمده که مراد از آیه مورد بحث این است که همسر آدم از بدن خود درست شده صحیح نیست، هر چند که در روایات آمده که از دنده آدم خلق شده، لیکن از خود آیه استفاده نمی‌شود، و در آیه، چیزی که بر آن دلالت کند وجود ندارد.» (همان)

همانطور که ملاحظه شد در این مورد مرحوم علامه پس از بیان نظر راغب و با توجه به آن نظر بعضی از مفسران را مورد نقد قرار می‌دهد. اما اینکه در روایات نیز دلالتی بر خلقت همسر حضرت آدم (ع) از دنده چپ ایشان ذکر شده، نیاز به بررسی روایات دارد که خارج از این مجال است.

همچنین در جایی دیگر در ذیل آیه «وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ» (آل عمران / ۱۲۱) «به یاد آر ای پیغمبر به یاد آور سحرگاهی را که از خانه خود به جهت صف آرایی مؤمنان برای جنگ بیرون شدی» در بیان معنای واژه اهل با توجه به *مفردات* راغب می‌فرماید:

«کلمه اهل به طوری که راغب (۱۴۱۲ق: ۹۶) گفته به معنای هر آن کس و یا کسانی است که نسبت و یا خاندان و یا غیر آن دو از قبیل دین و شهر و یا صنعت ایشان را یکی می‌کند، مثلاً می‌گویند اهل فلان شخص، یعنی زن و بچه و خادم و سایر کسانی که از او می‌خورند، و باز گفته می‌شود اهل همدان، یعنی همه



کسانی که در شهر زندگی می‌کنند، و باز گفته می‌شود اهل فلان دین، یعنی همه افرادی که متدین به آن دینند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۶/۴).

ایشان در ادامه می‌آورند: و مراد از اهل رسول خدا صلی الله علیه و آله، خواص آن جناب است، که شامل جمع دودمانش می‌شود و مراد از آن در خصوص آیه شخص واحد نیست، به دلیل اینکه فرموده: «غَدَوْتُ مِنْ أَهْلِكَ» چون وقتی می‌توان گفت «از میان اهلت خارج شدی» که منظور از اهل، جمعیت خانواده و خویشاوندان باشد، اما اگر منظور یک نفر باشد مثلاً تنها همسر و یا مادر باشد نمی‌توان گفت: «از میان اهلت خارج شدی»، و همین که می‌بینیم در آیه مورد بحث فرموده: «غَدَوْتُ مِنْ أَهْلِكَ» خود دلیل بر این است که مراد از اهل جمع است نه یک نفر (همان).

علامه طباطبایی سپس با بیان این معنی به نقد نظر برخی از مفسرین می‌پردازند. ایشان در ادامه همین مطلب می‌فرمایند: «و لذا می‌بینیم بعضی از مفسرین که اهل را به یک نفر تفسیر کرده‌اند، ناگزیر شده‌اند در آیه تقدیری بگیرند، و بگویند: تقدیر آیه «غَدَوْتُ مِنْ بَيْتِ أَهْلِكَ» است، یعنی وقتی که از خانه اهلت خارج شدی، لیکن در کلام هیچ دلیلی نیست که بر آن مطلب دلالت کند». (همان)

ایشان همچنین در ذیل آیه «...إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان / ۱۷) «...که این از کارهای مطلوب است» در مورد واژه عزم می‌فرماید: کلمه عزم به طوری که راغب گفته عبارت است از تصمیم قلبی بر گذراندن و فیصله دادن به کاری، و اگر صبر را که همان حبس نفس از انجام امری است، از عزم دانسته، از این جهت است که عقد قلبی ما دام که سست نشده، و این گره دل باز نگشته، انسان بر آن امری که بر انجامش

تصمیم گرفته، و در دل گره زده است، پا بر جا و بر تصمیم خود باقی است، پس کسی که بر امری صبر می‌کند، حتما در عقد قلبی‌اش و محافظت بر آن جدیت دارد، و نمی‌خواهد که از آن صرفنظر کند، و این خود از قدرت و شهامت نفس است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۲۶/۱۶)

ایشان پس از نقل معنای ارائه شده توسط راغب (۱۴۱۲ق: ۵۶۵) به نقد گفته برخی مفسرین می‌پردازند و می‌آورند: و اینکه بعضی گفته‌اند: «معنایش این است که این از عزیمت خدا، و ایجاب او در امور است»، صحیح نیست، و از لفظ آیه دور است. و همچنین گفتار بعضی دیگر که گفته‌اند که عزم در لغت هدیل عبارت است از جزم. (همان)

همان طور که ملاحظه شد در این موارد مرحوم علامه طباطبایی پس از بیان معنای کلمه با توجه به نظر راغب به نقد نظر دیگر مفسران می‌پردازد. این مسأله نشانگر این است که مرحوم علامه در همه این موارد معنای مورد نظر راغب را پذیرفته و آن را قابل قبول دانسته و به آن اعتماد کرده‌اند تا حدی که با استفاده از کلام راغب، به نقد نظر دیگران نیز پرداخته است. این خود نشانگر اعتماد و پذیرش مرحوم علامه از معنای بیان شده توسط راغب می‌باشد.

نکته اخلاقی قابل توجه در این گونه موارد و هر جای دیگری که مرحوم علامه طباطبایی به نقد نظر شخصی می‌پردازند، این است که ایشان در خیلی از موارد نام شخص را نمی‌آورند و با لحن غیر مستقیم به نقد نظر اشخاص می‌پردازند. مفسر بزرگ حضرت آیت‌الله جوادی آملی «حفظه الله تعالی» در این باره می‌فرماید: «مرحوم علامه در نوشتارهای خود عموماً و تفسیر شریف-المیزان- خصوصاً نام کسی را در نقد و تحلیل نظر او نمی‌بردند بلکه غالباً به جرح و تعدیل

اصل رأی و فکر توجه می‌نمودند و می‌فرمودند فکرها است که با هم برخورد دارند نه صاحبان افکار و محور قدح و مدح ایشان «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال» بود. (جوادی، ۱۳۱۲ق: ۵۸)

۳-۶- رفع مشکل تفسیری با عنایت به گفته راغب در برخی از موارد استفاده *المیزان* از *مفردات* راغب، مشاهده می‌شود که مرحوم علامه با پذیرش و بیان معنای بیان شده توسط راغب، مشکل تفسیری آیه را حل نموده‌اند. در این گونه موارد واژه‌ای در آیه هست که دارای چند معنا و برداشت است، اما مرحوم علامه با عنایت به گفتار راغب، آیه را معنا کرده و به رفع مشکل تفسیری آیه همت گماشته‌اند.

به طور مثال در بیان معنای «شقاوت» در آیه «ما أنزلنا علیک القرآن لَشَقِیِّ» (طه / ۲) «قرآن را به تو نازل نکردیم که در رنج افتی»؛ می‌فرماید: «کلمه شقاوت خلاف سعادت است، راغب (۱۴۱۲ق: ۴۶۰) می‌گوید: شقاوت و سعادت از نظر نسبت مثل همدند، هم چنان که سعادت دو نوع است: یکی سعادت دنیوی، و یکی سعادت اخروی، و سعادت دنیوی هم سه قسم است، سعادت نفسی و بدنی و خارجی، همچنین شقاوت، دنیوی و اخروی است، و دنیوی آن نفسی و بدنی و خارجی است، تا آنجا که می‌گوید: بعضی از علمای لغت گفته‌اند: گاهی کلمه شقاوت در جای تعب و دشواری استعمال می‌شود، مثلاً می‌گویند: «شقیقت فی کذا- در اینکار خسته شدم» و نیز گفته‌اند: هر شقاوتی تعب است، ولی هر تعب شقاوت نیست، پس تعب اعم از شقاوت است. و بنا بر این معنای آیه مورد بحث این می‌شود که ما قرآن را نازل نکردیم برای اینکه تو خود را به تعب اندازی». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۴/۱۶۴) همانطور که مشاهده شد در این آیه، واژه «شقی» دارای معانی مختلفی است که مرحوم علامه با توجه به

گفتار راغب این معنا را به معنای تعب و خستگی دانسته‌اند نه به معنای ضلالت و گمراهی، حال اینکه ممکن است برخی دیگر سهواً یا از روی غرض واژه را به معنای شقاوت گرفته و در آن اشکال کنند.

ایشان همچنین در جایی دیگر در ذیل واژه ذنب در تفسیر آیه «و لَهُمْ عَلَیْ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ یَقْتُلُونِ» (شعراء / ۱۴) «فرعونیان خونی به گردن من دارند و بیم دارم که مرا بکشند»؛ پس از بیان گفتار راغب به حل مشکل تفسیری آیه همت گماشته‌اند. ایشان می‌آوردند: «راغب در *مفردات* (۱۴۱۲ق: ۳۳۱) می‌گوید: کلمه ذنب در اصل به معنای گرفتن دنباله چیزی است، مثلاً گفته می‌شود: «ذنبته»، یعنی رسیدم به دم آن و آن را گرفتم. ولی در هر عملی که دنباله و خیمی دارد نیز استعمال می‌شود، به این اعتبار که عمل مذکور نیز دم و دنباله‌ای دارد. و در آیه شریفه اشاره است به داستان قتل موسی و اگر فرمود: برای ایشان گناهی است به گردن من، برای این است که موسی خود را گناهکار نمی‌دانست، بلکه به اعتقاد فرعونیان گناهکار بود و یا آنکه اصلاً ذنب در اینجا معنای گناه ندارد، بلکه به همان معنای لغوی خود استعمال شده، یعنی من کاری کرده‌ام که از نظر آنها عاقبت و خیمی دارد، و دلیلی هم نداریم که ذنب در اینجا به معنای نافرمانی خدا باشد». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۵/۳۶۲)

در این مورد نیز ممکن است برخی واژه ذنب را به معنای گناه گرفته و در آن اشکال کرده و با استفاده از آن عصمت انبیاء را زیر سؤال ببرند، مشاهده می‌کنیم که مرحوم علامه با توجه به معنای ارائه شده توسط راغب اصفهانی در *مفردات* که ذنب را به معنای گرفتن دنباله چیزی معنا کرده، مشکل تفسیری آیه شریفه را رفع کرده و معنای این واژه را به سوی مفهوم گناه سوق نمی‌دهد.

در این گونه موارد نیز رویکرد مرحوم علامه طباطبایی پذیرش و اعتماد به گفته راغب در مفردات است. در این رویکرد نیز علامه طباطبایی با پذیرش سخن راغب، به استدلال پرداخته و مشکل تفسیری را حل نموده است. یعنی اصل بر قبول و پذیرش سخن راغب بوده است.

### ۳-۷- تایید نظر راغب با توجه به سیاق آیه

در تعریف سیاق آورده‌اند: «معمولاً در گفتگوها و نوشته‌های متعارف، صدر و ذیل عبارت، معنای خاصی به جمله می‌دهد و منظور را محدود می‌کند و این در اصطلاح سیاق خوانده می‌شود و می‌گویند: سیاق عبارت و یا سوق کلام، این معنا را افاده می‌کند.» (موسوی، ۱۳۸۲ش: ۱۶۰)

برخی از مفسران در موارد فراوانی، پس از ذکر معانی گوناگون برای یک واژه به کمک سیاق معنای آن را مشخص کرده‌اند. (ناصح، ۱۳۸۵ش: ۱۰۷) این گونه استفاده از سیاق در المیزان نیز به چشم می‌خورد. در این موارد مرحوم علامه طباطبایی از سیاق آیات نیز برای بیان معنای کلمه کمک گرفته‌اند، اما گاهی این گونه برداشت‌ها پس از نقل معنای بیان شده در مفردات راغب بوده و با بیان آن تکمیل شده است. به طور مثال در آیه «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاثُر / ۱-۲) «مسابقه و مفاخره در داشتن مال و نفقات بیشتر شما را از سعادت واقعیتان به خود مشغول کرد، تا آنجا که برای شمردن نیاکان خود به قبرستان رفتید»؛ می‌فرمایند:

«در مفردات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۴۸) می‌گوید: کلمه لهو به معنای هر کار بیهوده و بی‌ارزشی است که آدمی را از کار مهم و پر ارزش باز بدارد، وقتی می‌گویند: «ألهاه كذا» معنایش این است که آن کار بیهوده وی را مشغول به خود کرد و از کاری مهم‌تر

بازش داشت. اما کلمه تکاثر و مکاترة که اولی مصدر باب تفاعل، و دومی باب مفاعله است، هر دو به معنای آن است که جمعی در کثرت مال و اولاد و عزت با یکدیگر مبارات و مفاخره کنند. (همان: ۷۰۳) و در معنای مقابر گفته (همان: ۶۵۱) جمع مقبره است، که- به کسره میم و فتحة آن- به معنای محل قبر است، و در قرآن کریم آمده، آنجا که فرموده: «حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» و زیارت مقابر کنایه از مردن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۶۰/۲۰)

ایشان پس از بیان معنای لغوی واژه‌های دشواریاب آیه به کمک مفردات راغب، با استفاده از سیاق آیه معنی را تکمیل نموده و می‌فرمایند: «و بنا به معنایی که او کرده و بنا بر آنچه به کمک سیاق فهمیده می‌شود معنای آیه این است که: تکاثر و مفاخرت شما در داشتن مال و زینت دنیا، و مسابقه گذشتنتان در جمع عده و عده، شما را از آنچه واجب بود بر شما بازداشت، و آن عبارت بود از ذکر خدا، در نتیجه عمری را به غفلت گذراندید، تا مرگتان فرا رسید.» (همان)

### ۳-۸- تفسیر آیه با توجه به نظر راغب و دیگران

گاهی موارد مرحوم علامه در بحث واژه‌پژوهی علاوه بر بیان نظر مفردات راغب، نظر دیگر لغویون و یا مفسران را نیز به دلایلی بیان می‌دارند. اما در برخی از این موارد آیه را با توجه به نظر و گفته هر دو لغوی یا مفسر ترجمه و تفسیر می‌نمایند و گاهی یکی از این دو نظر را برمی‌گزینند.

به طور مثال در آیه «... اَتُّونِي بِكِتَابٍ مِّنْ قَبْلِ هٰذَا اَوْ اَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ اِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (احقاف / ۴) «...مدرکی از کتب آسمانی قبل از قرآن و یا دلیلی علمی بیاورید اگر راست می‌گویید»؛ در شرح و بیان معنای کلمه «اثارة» می‌فرمایند: «کلمه «أثارة»- به طوری که

پس از ذکر دو مورد از معنای واژه، هر دو را می‌پذیرند و می‌فرمایند: «و آیه شریفه به هر دو معنا تفسیر شده». (همان)

۳-۹- نقل نظر راغب و دیگران و ترجیح یکی بر دیگری

همانطور که قبلاً گذشت، مرحوم علامه در مواردی در بیان واژه‌های دشواریاب، علاوه بر نقل نظر راغب در مفردات، به نقل نظر دیگر لغویون نیز پرداخته‌اند. لیکن در برخی موارد پس از بیان دو یا چند نظر یکی را ترجیح داده و برگزیده‌اند. به طور مثال در آیه «كِتَابٌ مَّرْقُومٌ» (مطففین / ۹) «کتابی است نوشته شده»- در بیان معنای واژه «مرقوم» در المیزان آمده است: «مرقوم از ماده رقم است، که راغب (۱۴۱۲ق: ۳۶۲) گفته به معنای خط درشت است. و بعضی گفته‌اند به معنای نقطه‌گذاری هر نوشته است، و در آیه «كِتَابٌ مَّرْقُومٌ» هر دو احتمال هست. ولی به نظر ما معنای دوم با مقام مناسب‌تر باشد، در آن صورت جمله مورد بحث اشاره‌ای به این معنا خواهد بود که آنچه برای آنان مقدر شده کاملاً روشن است، و هیچ ابهامی در آن نیست، به این معنا که حتمی و مشخص است و تخلف‌پذیر نیست». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۸۲/۲۰)

همانطور که ملاحظه شد در این مورد مرحوم علامه طباطبایی پس از بیان معنای کلمه و بیان گفتار راغب، معنای دوم را برمی‌گزینند و آیه را مطابق با نظر راغب اصفهانی معنی و تفسیر نمی‌نمایند. در این مورد مرحوم علامه طباطبایی نظر دیگران را بر نظر راغب ترجیح داده و آن را بهتر ارزیابی می‌کند که خود نشان از حاکمیت استدلال و برهان است. هرچند که طرف ما شخصیت بارز و شاخص علمی و صاحب تألیف معتبری همچون مفردات باشد.

راغب (۱۴۱۲ق: ۶۲) گفته - مصدر و به معنای نقل و روایت است. وقتی می‌گوییم «اثر العلم» معنایش این است که من آن علم را روایت کردم. و مصدر این فعل همان طور که اشاره می‌آید اثر و اثره نیز می‌آید. و اصل معنای این واژه پیروی و دنبال کردن جای پای کسی بوده. بنا به گفته وی کلمه أثاره هر چند مصدر است، اما مصدر به معنای مفعول- یعنی ماثور- است یعنی: علمی که نقل و روایت شده باشد و ثابت کند که خدایان مشرکین در خلقت قسمتی از آسمان‌ها و زمین شریک خدا هستند. ولی غالب مفسرین کلمه مذکور را به معنای «بقیه» معنا کرده‌اند. این معنا هم قریب به همان معنای سابق است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۸/۱۸)

ایشان پس از ذکر دو معنای سابق به بیان تفسیر آیه می‌پردازند: و معنای آیه این است که: اگر راست می‌گویید، برای من از کتاب‌های آسمانی قبل از قرآن دلیلی بیاورید که دلالت کند بر اینکه خدایان شما در خلقت قسمتی از آسمان‌ها و یا خلقت قسمتی از زمین شرکت دارند. و اگر کتابی آسمانی نمی‌آورد حد اقل دلیل علمی منقولی- و یا بقیه‌ای از علم موروثی خود- بیاورید که این ادعای شما را اثبات کند. (همان)

همچنین در آیه «وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» (طور / ۶) «و به دریایی که مالا مال از آتش افروخته است»، در معنای واژه «سجر» می‌فرمایند: راغب در مفردات [(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۹۷)] می‌گوید: کلمه سجر که مسجور از آن گرفته شده به معنای شعله‌ور کردن و تیز کردن آتش است. ولی صاحب مجمع‌البیان (طبرسی، بی تا: ۱۶۲/۹) گفته: «مسجور به معنای مملو است، مثلاً وقتی گفته می‌شود: سجرت التنور، معنایش این است که من تنور را پر از آتش کردم». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۶/۱۹) مرحوم علامه طباطبایی در پایان

- ۴- بحث و نتیجه‌گیری
- تفسیر شریف المیزان در مباحث واژه‌پژوهی برای دست‌یابی به معنای واژه‌های دشواریاب، اهمیت ویژه‌ای برای کتاب مفردات راغب قائل شده است به طوری که کمتر واژه‌ای را می‌توان یافت که المیزان نظر راغب را در مورد آن بیان نکرده باشد. حتی در مواردی که مرحوم علامه طباطبایی نظر دیگر لغویون را برگزیده است، نظر راغب را نیز بیان داشته است که این خود بیانگر اعتماد و عنایت ویژه مرحوم علامه طباطبایی به مفردات راغب در مباحث واژه‌پژوهی است. از طرفی در بسیاری از موارد مرحوم علامه در مبحث واژه‌پژوهی ابتکارتی به خرج داده که در دیگر تفاسیر کمتر یافت می‌شود. اما رویکرد و نحوه برخورد علامه در المیزان با معانی بیان شده توسط مفردات مشابه نبوده، برخی از مهم‌ترین گونه‌های استفاده المیزان از مفردات راغب موارد زیر است: تفسیر آیه بر اساس نظر راغب؛ ارائه معنایی جدید علاوه بر گفته راغب؛ نقد نظر راغب و یا تکمیل آن؛ بهره‌گیری از نظر راغب به عنوان تأیید معنای مختار؛ نقد آراء مفسران با تأکید بر نظر راغب؛ رفع مشکل تفسیری با عنایت به گفته راغب؛ تأیید نظر راغب با توجه به سیاق آیه؛ تفسیر آیه با توجه به نظر راغب و دیگران؛ نقل نظر راغب و دیگران و ترجیح یکی بر دیگری.
- منابع
- قرآن کریم. از ترجمه المیزان.
  - اوسی، علی (۱۳۷۰ش). روش علامه در تفسیر المیزان. ترجمه سیدحسین میرجلیلی. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
  - ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۵ش). «راغب اصفهانی قرآن پژوه و مفسر قرآن». اصفهان: ویژه نامه‌ی
  - همایش بین‌المللی قرآن کریم و جامعه معاصر. صص ۱۵۲-۱۶۴.
  - بابایی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۸ش). روش شناسی تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  - جوادی آملی، عبدالله (۱۳۱۲ق). منهج التفسیری للعلامه الطباطبایی. ترجمه جوادی علی کسار. قم: مؤسسه الثقلین.
  - حاجی خلیفه، کاتب چلبی (بی تا). کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
  - حسینی، سیدشهاب‌الدین (۱۳۸۰ش). نگاهی نو به تفسیر المیزان. قم: نورگستر.
  - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت/دمشق: دارالعلم/الدار الشامیه.
  - ربیعی، شمس‌الدین (۱۳۶۲ش). شرح معضلات قرآنی در المیزان. بی جا: نشر نور فاطمه.
  - زرکشی، بدرالدین (۱۴۱۵ق). البرهان فی علوم القرآن. تحقیق یوسف مرعشی. بیروت: دارالمعرفه.
  - سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ق). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دار الکتب العربی.
  - صادقی، حسن (۱۳۹۰ش). نقش دانش اصول فقه در تفسیر قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی. قم: قرآن شناخت.
  - صدر، سیدموسی (۱۳۸۱ش). «زیرساخت‌های تفسیر المیزان». پژوهش‌های قرآنی. شماره ۳۰۰. صص ۲۹-۳۰.
  - طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه موسوی همدانی. قم: دفتر

- انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (بی تا). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی.
- محمدی، حمید (۱۳۸۸ش). مفردات قرآن. قم: نشر هاجر.
- مودب، سیدرضا (۱۳۸۷ش). مفردات قرآن پژوهشی در واژه‌شناسی قرآن. قم: انتشارات احسن الحدیث.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ش). مبانی تفسیر قرآن. قم: دانشگاه قم.
- موسوی کانی، سیدرضا (۱۳۸۲ش). «سبک علامه در نقد آراء مفسران». پژوهش‌های قرآنی.
- شماره ۳۴. صص ۱۵۴-۱۶۸.
- میرلوحی، سیدعلی (۱۳۸۶ش). راغب اصفهانی، زندگی او و آثار او. اصفهان: ناشر سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
- ناصح، علی احمد (۱۳۸۵ش). «کارکردهای سیاق در تفسیر قرآن کریم». پژوهش‌نامه قرآن و حدیث. شماره ۱. صص ۱-۲.
- همایی، غلامعلی (۱۳۸۹ش). واژه‌شناسی قرآن مجید. قم: نشر المصطفی.
- ولدبیگی، جهانگیر (۱۳۸۹ش). فرهنگ قرآنی راغب. قم: نشر آراس.

